

دست و پا زدن های مذبحخانه حکمتیست ها در کتمان ماهیت چرک و خون انحصارات امپریالیستی آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی

حکمتیست ها ، این باسودان تعلیم دیده در مکتب امپریالیست های آمریکائی-انگلیسی و صهیونیستها اسرائیلی علیرغم خورده گیری بما ، تفاوت بین حکمتیسم و حکمتیست را نمی دانند . قادر نیستند تشخیص دهند که روی سخن ما نه با فرد ، بلکه با " بینشی " بغایت ارتجاعی است که آبشخوار هر دو جریان منتسب به مکتب حکمتیسم است .

حکمتیست ها که خود را علامه دهر می دانند و من را به بیسوادی متهم می کنند که بجای افتضاح نوشته ام افتزاع ، و آنرا به پای نادانی ما نسبت به الفبای مارکسیسم می گذارند ، خود علاوه بر جهل معرفتی در جهل املائی بسر می برند . فقط برای نمونه پاره ای از آنرا ذکر می کنم . این ملا لغوی کوچک مغز چنان افاضه کلام نموده است :

| | |
|------------|-----------|
| بجای: صحیح | غلط |
| سپاسگزاری | سپازگزاری |
| ارتجاعی | ارتجاعی |
| تحویل شان | تحویشان |
| تشویش | تشوش |
| چندین | چنیدن |
| تلویزیون | تلوزیون |
| محو | محور |
| قرقره | قر قر |

من به اشتباه خود اذعان می کنم ولی شما که خود را علامه دهر می دانید و آگاهید که این اشتباه ها ناشی از اشتباه دکمه های کیبوردی نبوده است ، چرا در جهل مرکب غرق شده اید . ولی مطمئن باشید که " بیسوادی " شما را در غلط املائی نمی دانم که می تواند از هر کسی بدلالی سرزند ، بلکه بیسوادی شما در عدم آگاهی از مارکسیسم لنینیسم نهفته است که حکمتیسم را جایگزین آن کرده اید . قصدم نشان دادن این " بیسوادی " است که با نگارش سلسله مقالاتی همراه با نقل و قول از بزرگان مارکسیسم (مارکس- انگلس- لنین) تا ثابت شود که ؛ میهن پرستی کمونیست ها در تطابق کامل با انترنالیسونالیسم است و نه بزعم شما پرفسورهای تعلیم دیده فرهنگ های آمریکائی اسرائیلی که آنرا عین فاشیسم و جنایت میدانید .

از منظر این کوتوله و دلقک های سیاسی نه تنها فقط اراجیفشان بلکه دفاع شجاعانه شان از دولتهای امپریالیستی و صهیونیستی آمریکا- اسرائیلی ، " پاسخ کوبنده " قلمداد می گردد . جداً مایه خوشحالی است که این بی مایگان سخن می گویند ، چراکه خود را بیشتر افشاء می کنند . فراموش نباید کرد روزگاری بود که حکمتیست ها در مقابل افشاء نام حقیقی منصور حکمت که از قضا در زندان رژیم جمهوری اسلامی با لو دادن دیگران به " آزادی " دست یافت ، با شدیدترین برخوردهای هسیتریک دهها مقاله علیه افشاکننده سیاه کردند . ولی اکنون که دل و روده حکمتیسم توسط توفان بیرون کشیده شده بطوریکه گنبدیگی آن خاص و عام همگان است ، از دادن پاسخ به دهها مقالات پر ارزش تنوریک- سیاسی توفان قاصرند و چون خر رحل در گل گیر کرده اند . بیچاره ها آگاهند کوچکترین پاسخ شان به توفان همانا و برهم زدن لجن زار حکمتیسم که بوی تعفن آن ناآگاهان بیشتری را بیدار خواهد کرد همانا . این درماندگان وقیح غافلند که حزب کار ایران (توفان) بر اساس مسئولیت کمونیستی هرگز لحظه ای از افشاء این رویونیسم پوسیده لباس عوض کرده دست بردار نخواهد بود و منتظر شما بی مایگان هوچیگر که خودتان حداقل بر بخشی از پوچیسم و دروغین بودن تشکیلاتتان اذعان دارید ، نخواهد ماند .

فراموش نباید کرد " مجاهدین خلق " هم روزگاری بود که اگر کسی به مسعود رهبرشان می گفت بالای چشمت ابروست ، توسط کادرهای درجه اولش بلانی بر سرش می آوردند که شما بر سر

نویسنده افشاکننده نام و اعمال حکمت در زندان آوردید . در حالی که خودتان بعد از چند صبحی کوتاه با درج عکس های شش در چهار و نام حقیقی ، در شناسایی کادرهای خود به دشمن پیش قدم شدید . البته نباید فراموش کرد که کادرهای شما و حککا بر اساس قرار داد با آمریکا و اسرائیل در حفاظت کامل و در پناه " سیا " و " موساد " قرار دارند و هیچگونه نگرانی از این بابت برایشان نخواهد بود . بیچاره کمونیست های سنتی که نمی فهمند طبق فتوای حکمتیسم در دولت های بورژوازی آمریکا و اسرائیل خروار خروار " دمکراسی " پخش میشود تا از موهبت آن برخوردار شده و جان خویش را این گونه با " نفهمی " در معرض خطر قرار ندهند .

جناب هوچیگر خالی بند ، توفان را چه نیاز که بخواهد توسط هوچیگر کوچک مغزی چون شما ، خود را " بزرگ " کند. حزب کار ایران (توفان) همانطور که گفته شد بر اساس مسئولیت کمونیستی (و نه خدمت به منافع امپریالیستهای آمریکائی و صهیونیستهای اسرائیلی) که بر عهده دارد همانطوریکه پرچمدار مبارزه راستین علیه رویونیسم خروشچفی و ایادی ریز و درشتش بود ، در جهت افشاء بی امان رویونیسم حکمتیسم دهها مقالات تنوریک- سیاسی پرارزش به نگارش درآورده است که هیچکدام از جریانات حکمتیسم قادر به پاسخگویی نیستند چراکه این حضرات می دانند دست به قلم بردنشان ، افشاگر بیشتر چهره ضد مارکسیستی اشان خواهد شد . مقالات کم نظیری که هم اکنون الهام بخش تمام آزادیخواهان- انقلابیون کمونیست در افشای حکمتیسم می باشد و حداقل هفته ای نیست که در افشاء این جریانات بی هویت و بی ریشه مقاله ای به نگارش درنیآورد . لذا از آنجائیکه پیروان مکتب حکمتیسم شاهد افشاء هر روزه خویش توسط نیروها و افراد انقلابی هستند ، کوتوله بی قواره ای چون ترا جلو انداختند تا کاسه کوزه ها را بر سر تو از خود راضی که نام کارگر بر خود نهادی بشکنند . در واقع فلسفه " بعد از سالها خاموشی کوه موش زانید " در همین علم کردن جناب عالی است که خودت شاید از آن بی خبری . همانطوریکه از دریافت کمک های مالی و خدماتی از " سیا " و " موساد " بی خبری و یا اینکه خودت را با گفتن پول مخارج رادیو و تلویزیون 24 ساعته را اعضاء و هواداران می دهند به کوچه علی چپ می زنی و فکر می کنی چون خودتان ، همه هستند .

این جناب پرفسور برخلاف ادعایش بسیار کوچک مغز هم می باشد و دوزاریش خوب کار نمی کند و گفته من از مقاله قبلی مبنی بر اینکه " بینش " حکمتیسم را رویونیستی و خطرناکتر از رویونیسم خروشچفی دانستم ، از روی کج اندیشی حمل بر بزرگ بینی خود کرده همانطوریکه اراجیفش را دال بر " متفکر " بودنش میداند ، در حالی که اباطیش چیزی جز افشاء بیشتر حکمتیسم نیست و این همان هدفی است که ما کمونیستها با مقالاتی چند بدنبالش هستیم .

جناب پرفسور ، من " بینش " حکمتیسم را رویونیستی و خطرناکتر از رویونیسم خروشچفی می دانم و نه چهارتا هوچیگر و کولی سیاسی را که بین واشنگتن و تل آویو کاسه گدایی بدست ، آواره وار در گردشند . شما هوچیگران سیاسی هوا کردن چهارتا سایت اینترنتی و تشکل تنی چند هوچیگر که با پول های آمریکائی - اسرائیلی نفس می کشند را چون حککا ، قدرتمندترین " نیروی " حاضر در صحنه سیاسی ایران می دانید . امری که حداقل خودت بر پوچ بودن بخشی از آن اذعان داری . حقا که مانند جریان همپالگیتان (حککا) هم کولیگر و هم هوچیگرید چرا که باید برای دریافت چیزی حداقل چیزی نشان داد .

در منظر ادیبان حکمتیستها ؛ هوچیگری و قمیوز درکردن مقصود و هدف است حتی اگر چند مقاله شرم آور و مشمنزکننده که برایشان آبرویی باقی نگذارد ، باشد . مهم ، نام و آوازه این بی قواره هاست که جهت خوشآیندی عموجان سام و خام خام شارون باید بر سر زبان ها جاری گردد تا دخل و خرجش بحساب آید .

در منظر سواد آموختگان مکتب امریکایی- انگلیسی- اسرائیلی ، مدافعین حقوق حق طلبانه خلق ها بیشرمانه خوکان و سگان نامیده میشوند . همانگونه که ؛ مدافعان دفاع از میهن در مقابل تهاجم قوای تجاوزگر ، فاشیسم و جنایتکار نام می گیرد . ولی در عوض پیروان مکتب حکمتیسم ، این تطهیرکنندگان چهره خونبار انحصارات سرمایه داری آمریکائی- صهیونیستی اسرائیلی ،

" کمونیست " . بقول لنین کبیر ؛ بگذار خوکان و سگان ضد لنینیسم عو عو کنند این تاریخ است که قضاوت خواهد کرد و نه گماشتگان ذلیل امپریالیسم .

در حالی حکمتیست ها ما را به نفهم بودن متهم می کنند که خود نمی فهمند ، هنگامی که ما از هوچیگری و خالی بندی حککا فاکت می آوریم اولاً : هدف نشان دادن کج و معوج بودن و کپی برداری حکمتیسم از نسخه های اندیشمندان کهنه کار بورژوازی انگلیسی است که آنرا این چنین به پوچگرانی و دروغپردازی گشانده است . امری که جناب بهرام صالحی طی اطلاعیه ای آنرا افشاء نمود . ثانیاً : نشان دادن گفته های مالیخولیائی شما و حککا است که ماهیتاً یکی می باشد . هر دو جریانات ، حکمتیسم را بجای مارکسیسم آئین خود کرده اند ، هر دو از منافع انحصارات مخوف آدامخواران امپریالیستهای آمریکایی و صهیونیستهای اسرائیلی دفاع می کنند ، وقتی آنرا را بی شرمانه دولت های " دمکراتیک " می دانید . چرا که بزعم شما ؛ پیش بردن مبارزه طبقاتی در معیت آنها راحت تر انجام می گیرد . وجه تشابه شما در این جاست که شما باز بر اساس " بینش " حکمتیسم دچار توهمی شده اید که حککا بدان بیماری دچار شد . شما جهت عقب نیافتادن از حریف بمنظور " بزرگ " نشان دادن خود به عمو سام ، برای مزاح و خنده وقتی که می گوئید : " مردم باید تا قبل از حمله آمریکا به ایران تکلیف جمهوری اسلامی را روشن کنند و با قیام خود جمهوری اسلامی را بزیر بکشند و ما نیز مشغول سازماندهی این قیام هستیم ، " (تاکید از ادیب) شما باید مطمئن باشید که با برگزاری کنگره های علنی که توده ای- اکثریتی و ساواکی های سلطنت طلب در آن شرکت داشتند و آن را رهبرتان منصور حکمت یکی از افتخارات حککا می دانست ، و با درج عکس های شش در چهار و معرفی نام کادرهای خویش ، اگر واقعاً شوخی نمی کنید و قصد سازماندهی جنبش جهت سرنگونی رژیم اسلامی ایران را داشته باشید ، قبل از هر کاری هم قطاران " سناریو سفید " تان ، زیرآب شما را خواهند زد . همانطوریکه با لو دادن کمونیست های راستین ماهیت خاننازه خویش را برای همگان برملا کردند . شما اتهام زنان خالی بند مجدداً بی شرمانه امری را بدروغ بما نسبت می دهید که از قضا هم شما و هم حککا با هوچیگری و خالی بندی های هخاوار ، با بزرگ نمایی دروغین که تنها به تحکیم پایه های رژیم خون و شمشیر جمهوری اسلامی منجر می گردد متوسل می شوید . در حالیکه این هوچیگری هخامآبانه را عین " قدرت کوبنده ای " می دانید که فقط به چهار تا سایت انترنتی و چند تا کادر " سیاسی " خالی بند ختم می شود . وقتی که در صورت حمله آمریکا به ایران ما را بدروغ در کنار جمهوری اسلامی قرار می دهی تا همجواری خود در بغل آمریکا و اسرائیل را پرده پوشی کنید .

جوهر کلام حکمتیسم :

از آنجائیکه تمامی هوچیگری های احزاب حکمتی پوچ و دروغی پیش نیست و " قدرت کوبنده " نام رمزی است که فقط جنبه تبلیغاتی دارد که جهت دریافت امکانات مالی و خدماتی باید روی میز دولت های " دمکراتیک " آمریکا و اسرائیل گذاشته شود ، لذا در صورت حمله آمریکا به ایران که : " جمهوری اسلامی می تواند بخش قابل توجهی از مردم را بسیج کند و به جبهه جنگ بفرستد " ، که " در این سناریو سیاه تشکیل و حفظ اردگاه سوسیالیستی مستقل سخت تر از شرایط فعلی خواهد بود " ، ما (حککا و ح) بر اساس سناریو رنگی رهبر کبیرمان حکمت با تمام توان در جنگ علیه سناریو سیاه ، در جبهه سفید زیر پرچم حافظان شالوده جامعه " مدنی " بسرمدمداری آمریکا و اسرائیل تا آخرین قطره خون نبرد خواهیم کرد . این تمام جوهر کلام حکمتیسم است که در " اثر " حکمت بنام "دموکراسی تعابیر و واقعیات" نهفته است و شما خواندن آنرا جهت درک " دمکراسی " آمریکایی و اسرائیلی بدیگران توصیه می کنید و تاکید دارید " هرکس که تا به امروز این " اثر " را نخوانده باشد به درستی نمی داند دموکراسی چیست " !!!!!

وقاحت و بی‌خردی حد و اندازه ای دارد. شما متکبران از خود راضی- پررو تر از مرده اید که در صورت رو دادن، کفنش را خراب خواهد کرد. شما جریان‌ات بی‌هویت و بی‌مایه، آموزگاران کبیر پرولتاریا چون مارکس، انگلس و لنین را به ناتوانی از درک "دموکراسی" متهم میکنید. البته در یک حالت "حق" با شماست چراکه رهبران کبیر پرولتاریا اگر در قید حیات بودند صد در صد درک دیگری از "دموکراسی" آمریکایی و اسرائیلی می‌داشتند که در تناقض کامل با درک حکمتیسم از "دموکراسی" می‌بود. بی‌دلیل نیست که حکمت را مارکس زمانه می‌دانند و باز بی‌دلیل نیست که مجسمه وی را برای تحقیر مارکس بر مزارش علم کردند و باز بی‌دلیل نیست که جهت پنهان کردن کج اندیشی هایتان می‌خواهید مانیفست مارکس را به زباله دان بیاندازید. فقط باید مواظب باشید که زباله دانی‌ها پر نشود که کار کارگران شهرداری را سخت تر خواهد نمود.

جداً ما نمی‌فهمیم که چرا شما حکمیست‌ها بقول شیر فرهاد پائین برره ای محبوبتان، نمی‌خواهید دست از سر انحصارات ابر جنایتکاری که؛ دولت‌های فاشیستی مذهبی آمریکایی و اسرائیلی تابع فرامین آنان هستند، بردارید و مثل کنه بانها چسبیده اید و کوشش دارید ماهیت این دولت‌های آدمخوار را بزور حکمتیسم کج و معوج "دمکراتیک" جلوه دهید. نکند از این بابت حقوقی دریافت می‌کنید و بفکر پس انداز برای دوران بازنشستگی هستید!!؟؟ بشما توصیه می‌کنم از بیان این حقیقت شرم نکنید، همینطوریکه از بیان دولت "دمکراتیک" آمریکایی و اسرائیلی شرم ندارید. جان شیر فرهاد که اینقدر خاطرش برایت عزیز است و وادارت به دلک بازی ساخته، بگو چه مقدار از بودجه اختصاصی 75 میلیون دلاری امپریالیسم آمریکا جهت تبلیغات رادیو و تلویزیونی 24 ساعته بشما حکمتیست‌ها رسیده است!!!!!!

البته باید دانست قرابت و نزدیکی فراوانی بین این تازه بدوران رسیده‌ها با شیر فرهاد پائین برره ای وجود دارد. اولی؛ حکمتیسم ماهیت واقعی چرک و خون انحصارات آمریکایی و صهیونیست‌های اسرائیلی را بیش‌رمانه بدروغ ولی شجاعانه، "دمکراتیک" می‌خواند و دومی؛ شیر فرهاد پائین برره ای ماهیت واقعی اعمال غارتگرانه خالی کردن جیب مردم برره را بدروغ ولی شجاعانه، "خدمت به مردم" می‌نامد.

درک حکمتیسم از ماهیت دولت‌های انحصارات امپریالیستی:

معیار سنجش و قضاوت در مورد ماهیت دولت‌های امپریالیستی در نزد حکمتیسم نه از روی کارنامه عملکرد (سیاسی-اقتصادی-نظامی) دولت‌ها، بلکه بر اساس گفتار آنان تحلیل می‌گردد. ماهیت اولترا جنایتکارانه و غارتگرانه ابر قدرت انحصارات آمریکایی که تاکنون بیش از 100 میلیون انسان بیگناه را قتل عام کرده و وی را بمرتبه بزرگترین دشمن بشریت تبدیل نموده، در قاموس این حضرات "دموکراسی" معنی می‌دهد.

در منظر این دربیوزگان ماهیت هزاران بار ثابت شده دولت صهیونیستی-فاشیستی مذهبی-نژاد پرست-تجاوزگر و بی‌غایت جنایتکار اسرائیل، "دمکراتیک" ارزیابی می‌شود و ما را به خواندن مزخرفات رهبر گمراهشان رجوع می‌دهند.

حکمتیست‌ها می‌گویند سرمایه داری با هر لباسی که بر تن داشته باشد پلید و ضد انسانیت ولی آنرا چون امریکا و اسرائیل "دمکراتیک" می‌دانند. این حضرات فراموش می‌کنند (عامدانه این کار را می‌کنند) توضیح دهند این "دموکراسی" دم بریده، مچاله شده و سرا پا کاذبانه در شرایطی در جامعه حاکم است که بورژوازی انحصاری با در دست داشتن تمامی اهرم‌های اقتصادی-سیاسی-نظامی-ماشین‌عظیم افکار سازی و به یمن غارت بی‌حد و حصر دیگر کشورهای "جهان سوم"، قادر گشته انسانها را در جامعه مسخ گرداند و بقول مارکس آنانرا "از خود بیگانه" نموده است و در نتیجه در چنین کشورهایی که "دموکراسی" های کاذبانه رایج است بدلیل این "از خود بیگانگی" امکان پیش بردن مبارزات طبقاتی که بتواند به سوسیالیسم منجر گردد، ممکن نیست. در غیر این صورت یک نمونه تاریخی-سیاسی نشان دهید که در کدامین کشورها چنین شده که شما (حکمتیست‌ها) ادعای آنرا دارید. خیر، هرگز چنین تحولی در چنین کشورهایی چون امریکا و اسرائیل که بزعم شما در آنجا "دموکراسی" وجود دارد اگر در برهمن

پاشنه ای بچرخد که چرخیده ، امکان پذیر نخواهد بود . و برعکس خیزش های ضد سرمایه داری و انقلابی و کمونیستی طبق تجربه تاریخ در کشورهای بوقوع پیوسته که استبداد و خفقان از ویژه گی های آن می باشد . نمونه های تاریخی آن فراوانند . کشور خودمان ایران را در نظر آریم که بخاطر گسترش خفقان و فاشیسم محمد رضا شاهی هر جا که قصد بحث سیاسی بود ، مردم می گفتند " دیوار گوش دارد " یعنی استبداد رژیم سر سپرده محمد رضا شاهی سایه شوم ساواک را هم جا حاکم کرده بود و شاهد بودیم که نتیجه چنین شرایطی منجر به انقلاب شد . انقلاب بهمن 57 دودمان سلطنت پهلوی را به زباله دان تاریخ فرستاد . نکند انقلاب 57 را چون مزدک فرهت که از قضا از همپالگی های خودتان (از اعضای سابق حککا) می باشد همچون سلطنت طلبان روز سیاه تلقی می کنید .

و یا کشور روسیه قبل از انقلاب اکتبر را در نظر گیریم که استبداد و خفقان تزاریسیم بیداد می کرد . تزاریسیم بمثابة سگ رنجیری ارتجاع اروپا ، شدیدترین شونیسیم عظمت طلبانه روس را بر دیگر خلق های روسیه اعمال می کرد ، که سرانجام منجر به انقلاب اکتبر 1917 گردید (البته باید نقش تعیین کننده حزب بلشویک را در این تحول بنیادی فراموش نکرد) . باز نکند در وجود اکتبر شک دارید ! البته شما زیرجلکی از اکتبر " دفاع " می کنید ولی وجود انقلاب سوسیالیستی در شوروی را نفی می کنید .

واقعاً مسخره نیست که بزرگترین سرکوبگران نیروهای انقلابی و کمونیستی ، کشوری که روح مک کارتیسم در آن حاکم است- بزرگترین جنایتکار تاریخ- بزرگترین دشمن بشریت- بزرگترین غارتگر تاریخ- قتل عام کننده بیش از صدها میلیون انسانهای بیگناه- بزرگترین نقض کننده قوانین حقوق بشر- بزرگترین دولت مخرب دخالت گر در امور دیگر کشورها- بزرگترین دولت کودتا گر که تاکنون با سرنگونی دهها دولت های مردمی ، دهها هزار نفر را وحشیانه کشتار کرده- بزرگترین دولت ضد کمونیستی در جهان که کمونیست بودن را برابر با ایدز و دیوانه های زنجیری و مستحق مرگ- و ... را ، دولت بورژوازی دانست که در آنجا " دموکراسی " جاری است- که در آنجا " آزادی " احزاب وجود دارد- که در آنجا " آزادی " بیان و رسانه ها جاریست- که در آنجا می توان " آزادانه " از تجاوزات بربرمنشانه انحصارات امپریالیستی که بزرگترین عامل نا امنی و گسترش تروریسم در جهان می باشد سخن راند و چنین دولت هیولای خون آشام انحصارات امپریالیستی را که از طریق سازمان تجارت جهانی و بانگ جهانی در سرنوشت بشریت بطور مستقیم دخالت دارد و نقش تعیین کننده در زندگی اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و حتی امنیتی دیگر کشورها ایفا می کند ، بی خردانه بجای دولت بورژوازی دوران قرن 18 که رقابت آزاد و دوران شکوفائی را سپری میکرد قالب نمود . و هیولای بی شاخ و دم انحصارات جنایتگر- متجاوز- غارتگر را " فرشته نجات " جلوه داد و با این دست و پا زدن های مذبحخانه در صدد بود تا ماهیت چرک و خون انحصارات امپریالیستی آمریکائی را کتمان گرداند .

آیا در امریکا و یا اسرائیل بجز احزاب بورژوازی ناسیونالیستی که در جهت منافع انحصارات امپریالیستی و صهیونیستی حرکت می کنند ، احزاب انقلابی و کمونیستی بطور رسمی می توانند وجود داشته باشند و بر اساس انتخابات آزاد می توانند نمایندگانی در مجلس قانونگذار داشته باشند؟! البته نمی توان منکر وجود احزاب کمونیستی از نوع حککا و ح شد . لذا در چنین صورتی باید اعتراف کرد که حقیقاً آزادی احزاب و تشکل برای سینه چاکان انحصارات آمریکایی- صهیونیستی نه تنها نیم بند ، بلکه تمام بند هم وجود دارد .

آیا در اسرائیل زبان نماینده ای را که از حق مشروع و عادلانه خلق فلسطین سخن بگوید از حلقومش بیرون نمی آورند؟! آیا کودک 7-8 ساله ای که با سنگ و تیر و کمان در مقابل یورش درنده خویان صهیونیستی که برای دستگیری والدین وی به خانه اش حمله ور شده ، دفاع نماید با رگبار گلوله مسلسل جانش را نمی گیرند!؟

آری چنین وارونگری و شعبده بازی شیادانه فقط از حکمتیسم بر می آید و اگر نه ، عقل سلیم در تظاهرات اعتراضی علیه تجاوز آمریکا به عراق در 15 فوریه 2003 با شرکت صدها میلیونی

خویش بر جبین این هیولای خون آشام مهر باطل کوبید . فقط باید کور و کر بود تا نتوان این حقایق چون خورشید تابان را دید و با استدلال های چندان آور و مسخره تکراری به کتمان آن پرداخت .

چرا حکمتیست ها ما را به نفهم بودن متهم می کنند :

حقیقتاً نه تنها ما بلکه تمامی آزادیخواهان و انقلابیون راستین نمی فهمند و نخواهند فهمید که این خوکان و سگان ضد لنینیسم چه می گویند . فهم این مطلب برای هر انسان آزاده ای غیر قابل قبول است که : امپراطوری سرایا جنایت و غارتگرانه انحصارات امپریالیستی آمریکا که تاکنون حداقل دوبار با پرتاب بمب بر سر مردم پر امید هیروشیما و ناکازاکی صدها هزار تن را خاکستر و معلول نموده است- که تاکنون میلیونها نفر را با بمب های 9 تنی ، شمیانی ، خوشه ای ، ناپالم ، فسفوری و .. ، نابود کرده است- که تاکنون با کودتاهای نظامی ضد بشری در دفاع از مستبدترین و فاشیست ترین رژیم ها هزاران نفر را قتل عام نموده است- که تا کنون با اپوزیسیون سازی قلبی و ضد مردمی از طریق کودتاهای خرنده بنام انقلاب های مخملی جانوران تعلیم دیده دانشگاههای شکنجه آمریکا را بر جان و مال مردم حاکم نموده است- که تا کنون با برپایی زندانهای مخفی در دیگر نقاط دنیا به شکار افرادی که هنوز جرمشان ثابت نشده و در مظان " اتهام " قرار دارند و با شکنجه های وحشی تر از دوران قرون وسطی جان هزاران تن را گرفته است- که تا کنون با دخالت های مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی دیگر کشورهای آفریقائی ، آسیائی ، آمریکای لاتین و ... ، صدها هزار نفر را بربرمنشانه کشتار کرده است- که تا کنون با غارتگری های قلدر منشانه عامل اصلی گسترش فقر و سیه روزی صدها میلیون انسانهای پرآرزو را سبب گشته- که تا کنون با اختصاص بودجه سالانه نظامی بیش از 500 میلیارد دلاری (بیش تر از تمامی بودجه نظامی کشورهای جهان است) جنگ افروزترین قدرت ضدبشری است- که عامل اصلی نا امنی و گسترش تروریسم و کانون آشوب در جهان است- آری ما نمی فهمیم چگونه میشود چنین درنده غول پیکر خون آشام را حامی " دموکراسی " نامید و بدتر از آن ، این هیولای مخوف آدمخوار را بر اساس سناریورنگی حکمت در جبهه سفید و حافظ پاسداری از شالوده جامعه " مدنی " دانست . آری ما هرگز نخواهیم فهمید چگونه می شود رژیم فاشیستی مذهبی- تجاوزگر- نژاد پرست صهیونیستی اسرائیل که اساس موجودیتش بر جنایتگری ، زندان و شکنجه استوار بوده و بیش از 40 سال آزار خنق فلسطین را بربرمنشانه از زمین و آسمان کشتار میکند- سه میلیون فلسطینی را آوراره کرده- بیش از 70 درصد از سرزمین آنرا اشغال نموده- امکان کار و کسب را از آنان محروم نموده است ، می تواند دولتی " دموکراتیک " باشد . آری ما هرگز نخواهیم فهمید که چطور امکان دارد ، دفاع از سرزمین مادری کشوری اشغال شده ، برابر با فاشیسم می گردد .

حکمتیستها در دفاع شرمگینانه از مردم فلسطین چنین می گویند :

" برخلاف تصور وارونه آنها ما هیچ مخالفتی با دفاع مردم فلسطین از سرزمین اشغال شده شان (خوب توجه کنید از میهن اشغال شده سخن می گوید- از امری سخن می گوید که آنرا در دو خط بالاتر برابر با فاشیسم می دانست . نکند خدائی نکرده گفته های ما در وی باتدازه یک جو اثر کرده باشد . آنرا بقال نیک میگیریم) را نداریم ، از آن حمایت میکنیم و تجاوز اسرائیل را محکوم . دفاع این است (خوب دقت کنید که چگونه با تردستی آمریکائی گفته های پارگراف بالا را رد میکند) که رو در رو در مقابل ارتش تجاوزگر می ایستند و می جنگند ، مدافعان هر ایدئولوژی ای هم که داشته باشند عمل دفاع کردشان مشروع است (در چند خط بالاتر میهن پرستی و دفاع از میهن عین فاشیسم و جنایت کاری بود و بویژه اگر کشوری دارای ایدئولوژی اسلامی باشد . از قدیم گفتند که دروغگو ، کم حافظه میباشد . جناب پرفسور فراموش میکند که " اسلام سیاسی " طبق فتوای رهبرش بزرگترین خطر برای صلح جهانی می باشد ، فراموش میکند صدها هزار کشته و معلول حاصل اسلامیت های عراقی است که در مقاله قبلی اش بر آن تاکید داشت ، فراموش میکند که حماس را بخاطر ایدئولوژی اسلامی از قبل محکوم کرده و آنرا جریانی تروریستی و وحشی می دانند

در حالی اگر اسرائیل را برسمیت بشناسد لابد " انقلابی " و " متمدن " میگردد) ، اما اینکه جهاد اسلامی و حماس ، بمب بخود می بندد و در شهرهای اسرائیل کودکان بیگناه را منفجر میکند ، این دیگر اسمش دفاع از سرزمین نیست ، اگر هم اسمش نوعی دفاع است ما آنرا محکوم می کنیم ، این تروریسم است . " (پایان نقل و قول)

دقت و ملاحظه کنید که دفاع از مردم فلسطین در منظر این پرفسوران تعلیم دیده در دانشگاههای اسرائیل چیست ؟ آیا در این گفتار متناقض و مشعشانه ، دفاع از مردم فلسطین وجود دارد و یا برعکس با استثناء قایل شدن برای شکل دفاع (و نه مبارزه علیه اشغالگران) و آنرا چون " کشتی آزاد " رو در رو دانستن که باید حتماً از روبرو و بصورت سرشاخ انجام گیرد ، مبارزه مردم فلسطین را به " تروریسم " منتسب می گرداند و عملاً به همان نتیجه ای می رسد که منصور حکمت از آن گرفت و دولت فاشیستی مذهبی اسرائیل را " دمکرات " و " متمدن " و مخالفان را " تروریست " و " وحشی " نامید .

حکمتیست ها ، ابتدا با " حرارت " دفاع از سرزمین (بخوان میهن) اشغالی را با هر ایدئولوژی حتی اسلامی ، مشروع می دانند ولی بلافاصله بطوریکه صهیونیستهای اسرائیلی رنجیده خاطر نشوند با تبصره ، استثناء را جای قاعده (قانون عمومی هر نبرد) قرار می دهند و تلویحاً بر یورش های بربرمنشانه مزدوران اسرائیلی که در نیمه های شب ناجوانمردانه از پشت و در تاریکی با هلی کوپتر توپ دار و تانک های امریکایی کاشانه حقیرانه فلسطینیان را بر سرشان خراب ، پیر و جوان و کودک را قتل عام می کنند سرپوش می گذارند . و این جنگ کاملاً ناجوانمردانه و بدتر از هر عمل تروریستی را از روبرو می دانند و بدین ترتیب بر قانونی بودن جنگ توسط اشغالگران صهیونیستی صحه می گذارند و نامش را هم " دفاع " از مردم فلسطین می نهند . ولی دفاع و نه مبارزه مردم فلسطین را بیشرمانه و ردیلا نه به بهانه از " پشت " بودن تحت لوای " بمب بخود می بندد " ، بعنوان اعمال " تروریستی " محکوم می گردانند . آیا جداً بهتر از این میتوان از صهیونیستهای اسرائیلی بدفاع برخاست و در مقابل دفاع عادلانه مردم فلسطین را محکوم نمود !!!!!!

جوهر کلام حکمتیسم پیرامون ارزیابی از فلسطین و عراق :

اولاً : این حضرات می خواهند نوعی از شکل مبارزه را که بطور استثناء و نه قاعده در جنگ های نا برابر و بندرت انجام می شود جای قاعده عمومی جنگ های منظم قرار دهند . جنگی که در یک سمت آن دشمنی مجهز به پیشرفته ترین ابزارهای کشتار جمعی قرار دارد و در طرف مقابل مردمی که جدا از نیروهای مسلح فلسطینی با سنگ و تیر و کماتی که " تیر " آنرا تکه سنگی کوچک تشکیل میدهد و زیر شدید ترین اعمال وحشیانه قوای متجاوز بسر می برد- مردمی که بعد از تحمل بربرمنشانه ترین اعمال بغایت ضد انسانی و خلاف قوانین بین المللی- مردمی بیگناه و بی دفاعی که در صیرا ، شتیلا ، تل زعطر و ... ، قتل عام شدند و بعد از این همه مصیبت و درد رنج هائی که هرگز التیام نیافتند از روی ناچاری دست به عملیات انتحاری می زنند ، از طرف این طیف اسرائیلی دوستان (پیروان مکتب حکمتیسم) بخاطر اینکه تمام اشکال مبارزاتی مردم فلسطین به افراد جهاد اسلامی و حماس که " بخود بمب می بندد " ختم می شود ، به عملیات تروریستی منتسب می گردد که کودکان بیگناه اسرائیلی را منفجر می کنند . این حضرات حکمتیسم با این شعبده بازی اسرائیلی در صدند بر 40 سال مبارزه عادلانه و بر حق مردم فلسطین خط بطلان کشند و در عین حال عملیات جنابیکارانه و تروریستی که در اماکن و معابر عمومی اسرائیلی توسط آدمکشان حرفه ای " موساد " انجام گرفته بنام مردم فلسطین جا بزنند . همانطوریکه مقاومت رهائی بخش مردم عراق علیه اشغالگران امپریالیستی را تحت عنوان " پرچم مبارزه ملی و رهائی بخش مردم عراق در دست نیروهای ناسیونالیسم مرتجع و تروریست های اسلامیت " ، بی شرمانه " تروریستی " قلمداد می کنند .

ثانیاً : باید دقت داشت این عملیات انتحاری که بصورت حرکت های بسیار مقطعی و بندرت انجام می گیرد در کجا و چه شرایطی صورت گرفته است ؟ امری که همواره آگاهانه از طرف آنان فاکتور

گرفته می شود. این عملیات انتحاری که چون خاری در چشم حکمتیسم می خلد در کشوری که اشغال شده و با قوای اشغالگر در حال یک جنگ مرگ و زندگی برای رهایی مردم فلسطین و یا عراق می باشد. ارتشی وحشی، آدمخوار و تا دندان مسلح که از هیچ جنایتی که عقل بشر به آن قد نمی دهد دریغ نمی ورزد، به خاک این کشورها وارد شده و تاکنون صدها هزار نفر را قتل عام کرده است. خانه های مردم را ویران کرده اند، میلیونها نفر را آواره نموده اند، صدها هزار نفر را دستگیر و با پست فطرتانه ترین شیوه های ضد انسانی شکنجه می کنند تا سیل نفت مجانی بسوی آمریکا سرازیر گردد. آری عملیات انتحاری توسط مردم فلسطین و عراق بر چنین بستری صورت می گیرد. عمل آنها مجرد نیست مشخص است. محصول شرایطی ویژه ایست که آدمخواران به آنها تحمیل کرده اند، عملی است که در یک جنگ تمام عیار صورت می گیرد. در بستر چنین شرایطی نه تنها عملیات انتحاری (و نه تروریستی و جنایتکارانه که توسط مزدوران آدمکش "موساد" انجام می گیرد) موجه است، بلکه هر اقدامی که به تضعیف ارتش متجاوز و نوکران بومیش منجر شود مثبت است. چراکه شکست امپریالیسم و صهیونیسم یعنی به حداقل رساندن قربانی ها، یعنی نجات مردم عراق و فلسطین و نجات جان میلیونها انسانی که می خواهند آزاد زندگی کنند و برده آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی نباشند. مسئول جان هر قربانی بی گناهی که در فلسطین و عراق کشته می شوند امپریالیست ها و نوکران بومی آنها می باشند. اگر صهیونیستهای اسرائیلی و امپریالیست ها خاک فلسطین و عراق را ترک کنند و به نظر مردم فلسطین و عراق احترام بگذارند (که هرگز چنین نکرده اند) و خود را قیم و وکیل آنها ندانند، هیچ قتلی در آنجا اتفاق نخواهد افتاد. باید نیروی مقاومت فلسطین و عراق شرایطی را بوجود آورند که هیچ بیگانه ای احساس امنیت در خاک اشغالی نداشته باشد. البته در جنبش مقاومت مردم فلسطین و عراق هستند کسانی که به مبارزات انحرافی و کور دست می زنند و یا همچنین هستند کسانی که با مقاصد شخصی و سودجویانه دست به اعمالی بغایت انحرافی و ضد انسانی می زنند. ولی این افراد همواره بخش کوچک در مقابل اقیانوس عظیم کل نیروی مقاومت می باشند که نباید این جزء را بحساب کل گذاشت. حکمتیسم می خواهد با وارونه نشان دادن مقاومت عادلانه مردم فلسطین و عراق، افکار عمومی را میان انتخاب بین "اسلام سیاسی" و یا "مدرنیته آمریکائی-اسرائیلی" قرار دهد.

خونریزی منطق امپریالیست ها و صهیونیست های اسرائیلی است و با ریختن خونهای ناحق در صندل دریائی از دلسوزیهای کاذب هومانیتیستی برای تبلیغات خویش بوجود آورند و این کار را بمراتب سهل تر توسط ایادی ریز و درشتش انجام می دهد تا تأثیرش با عنوان کردن کشته شدن کودکان اسرائیلی و عراقی بدست تروریست ها در عوام بیشتر گردد. نباید در این دریای دروغین غرق شد. این نکته مهم را هرگز نباید از دیده فرو گذارد و میدان را در دست پریشان فکرانی (اگر مزدور و مامور نباشند) قرار داد که در ته دل همواره هوادار تجاوز امپریالیست و صهیونیست ها به فلسطین و عراق و ایران می باشند و با خروج بی قید و شرط آنها از عراق مخالفند. تنها این شعار است که نشان می دهد چه کسی ماهیتاً با تجاوز مخالف است و چه کسی زبردستانه مدافع امریالیستها و صهیونیستها در عراق و فلسطین و ایران است و با طرح شعارهای احساساتی و هومانیتیستی کاذبانه عامل اصلی تمامی نیستی و تباهی هم در فلسطین و هم در عراق را آگاهانه کتمان می کنند.

هدف من از پاسخ به هجویات حکمتیست ها هم بخاطر سکوت کسانی است که خود را مارکسیست لنینیست می دانند ولی ترجیح می دهند با سکوت خویش بآنها پر و بال دهند و هم بر اساس اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم این افشاگری را نه تنها وظیفه خود بلکه وظیفه تمامی عاشقان راه آزادی و سوسیالیسم می دانم.

حکمتیست ها چون رویونیست های خروشچفی پیروان مکتب سوسیال امپریالیسم هستند. آنان در ظاهر از سوسیالیسم سخن می گویند ولی در عمل از غدارترین انحصارات امپریالیستی بدفاع بر می خیزند و آنرا بدروغ "دمکراتیک" می نامند.

بهمن ادیب 2006/03/01

